

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه

فاطمه قناد*

مسعود اکبری**

چکیده

پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام‌های حقوق کیفری همواره محل تأمل بوده و هیچگاه به صراحت کامل مورد تقنین قرار نگرفته است. اهداف سنتی جرم‌شناسانه و اصول بنیادین حقوق کیفری مانع از آن بوده تا بتوان بر این اشخاص، مسئولیت کیفری را منتسب نمود. اشخاص حقوقی در حال تصفیه بدان جهت که می‌توان گفت دارای شخصیت حقوقی متزلزل و استثنایی بوده و استقرار و دوام شخصیت حقوقی آن صرفاً به جهت حفظ و حمایت از حقوق طلبکاران است، وضعیت مبهمی را در شکل‌گیری مسئولیت کیفری آنها ایجاد کرده است که چطور می‌توان آنها را قابل مجازات دانست. با این اوصاف در کنار سکوت قانونگذار و پاره‌ای از اصول کلی و نیز محدودیت دایره اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه را با ابهاماتی روبرو شده است. در این نوشتار به مبانی و اصول حاکم بر پذیرش این مسئولیت پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اشخاص حقوقی، تصفیه، شخصیت حقوقی متزلزل، مسئولیت

کیفری، مجازات.

ghanad@usc.ac.ir

* استادیار گروه حقوق دانشگاه علم و فرهنگ

**دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علم و فرهنگ (نویسنده مسئول)

masoudakbari29@yahoo.com

جرم به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و عنصر برهم‌زننده نظم و انسجام عمومی، از رهگذر ارتکاب اعمال زیان‌بار که فرد و جامعه انسانی را مورد حمله و هدف قرار می‌دهد، واقعیتی گریزناپذیر بوده است. شکستن قواعد مورد قبول و هنجارهای مورد دفاع بشری، هیچ‌گاه نتوانسته است مصون از واکنش و مداخله اجتماع بماند و هرگاه رفتاری خارج از قواعد و مقررات رخ داده و منفعت جمعی را مورد خدشه قرار داده است، با پاسخ جدی روبرو بوده و به آنها در حد توان نظام‌ها و دستگاه‌های مداخله‌کننده، به وضعیت پدیده مجرمانه واکنش نشان داده شده است. انتساب مسئولیت کیفری به چنین اشخاصی به تناسب جرم ارتكابی که همواره توسط افراد و اشخاص حقیقی صورت می‌گرفت، ذهنیتی از مجازات‌ها را تشکیل داده است که تنها شخصیت انسانی است که می‌تواند موضوع برنامه‌های واکنشی در قالب مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی باشد. شکل‌گیری نسل جدیدی از واقعیت اجتماعی به نام شخصیت‌های حقوقی، در قالب سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی عمومی و خصوصی، پدیده نوظهوری بوده است که نظام عدالت کیفری را در موازنه انتساب مسئولیت کیفری و در نتیجه قابل مجازات دانستن این اشخاص، با چالش جدی روبرو کرده است به نحوی که حتی امروزه هم صحبت کردن از مسئولیت کیفری و مجازات اشخاص حقوقی تا حدود زیادی قابل توسعه و پذیرش عقلانی برای دست‌اندرکاران این قضیه نیست. پذیرش اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خود به‌تنهایی به یک انقلاب نظری و عملی در نظام حقوق کیفری بدل گردیده و همواره محل بحث و گفتگو و جولان اندیشه‌های صاحب‌نظران بوده است و نقطه تلاقی و انطباق این اندیشه‌ها هیچ‌گاه در یک موضع موافق شکل نگرفته است. با وجود این، پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی از بستر معادلات، نظریه‌ها و اندیشه‌های مختلف حادث گردیده و اینک در چارچوب متون قانونی تثبیت گردیده است؛ اما پیرو نظریه‌های مختلف و سردرگمی دائمی اندیشه‌های موافق و مخالف این قضیه، بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه می‌تواند چالش‌های جدی و جدیدی را بر پیکره نظام مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تحمیل کند. با توجه به اینکه شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه به‌مثابه شخصیت اصلی و اولیه آنها نیست، یقیناً آثار و شرایط خاصی بر این موضوع از حیث مقررات مربوط به حقوق تجارت و پس از آن حقوق کیفری وارد می‌آید. شخصیت متزلزل و غیرواقعی شخص حقوقی در حال تصفیه، مشکلات انتساب مسئولیت کیفری به آنها را دوچندان خواهد کرد؛ چرا که پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی هنوز هم با ابهام‌های فراوانی روبروست و اگر در این

بین موضوع دیگری به وجود آید که به ابهامات بیشتری دامن زند، حقوق کیفری با چالش‌های دیگری نیز روبرو خواهد شد. بنابراین مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه از حیث شخصیت حقوقی متزلزل آنها و تبیین اینکه آیا پذیرش مسئولیت کیفری آنها یک قاعده اصلی یا یک استثناء بر این قاعده است، اهمیت این نوشتار را بیشتر ساخته است و سؤال اساسی که مطرح می‌گردد این است که چطور می‌توان مسئولیت کیفری را به این اشخاص منتسب دانست. نوشتار حاضر در قالب تحلیل مبانی نظری و به روش کتابخانه‌ای فراهم آمده است و بیشتر در پی آن خواهد بود تا با برجسته ساختن مبانی نظری و نقش آنها، به نقد و بررسی انتساب یا عدم انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حال تصفیه بپردازد. برای نیل به این مقصود مطالب در سه بند کلی ارائه خواهند شد. بند اول، مسئولیت کیفری شخص حقوقی در آموزه های حقوق کیفری مدرن، بند دوم، وضعیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه و بند سوم، تحلیل قابلیت یا عدم قابلیت انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حال تصفیه را مورد توجه قرار می‌دهد.

۱. مسئولیت کیفری شخص حقوقی در پرتو آموزه‌های حقوق

کیفری مدرن

حقوق کیفری مدرن که در حال حاضر مراحل گذار به پست‌مدرن را آغاز نموده است، در ذکر مبانی مسئولیت کیفری توجیهات خاص خود را اعمال می‌نماید. تا قبل از این، آنچه که مبنای مسئولیت کیفری و اعمال مجازات بر اشخاص را تشکیل می‌داد، اراده آزاد در ارتکاب جرم بود و چون اشخاص حقوقی همانند اشخاص حقیقی فاقد اراده آزاد در ارتکاب جرم هستند، مسئولیت کیفری آنها، در مقایسه با افراد انسانی که می‌توانستند مرتکب جرم شوند، با چالش جدی روبرو بود. مبنای عدم پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی این بود که در صورت پذیرش این موضوع حقوق کیفری در حد موسع تفسیر خواهد گشت که این موضع با روح کلی حاکم بر قواعد و مقررات حقوقی سازگار نیست.^۱ علاوه بر اینها، آنچه که منجر به سرسختی بیشتر در پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گردید، مبانی جرم‌شناختی حاکم بر اصول و اهداف اجرا و اعمال مجازات‌ها بود که هیچ‌گاه از این حیث نمی‌توانست در خصوص اشخاص حقوقی جامعه عمل بپوشد.^۲ با این حال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مواد مربوط به قوانین جزایی گنجانده شد و به تمامی اختلاف‌نظرها پایان داد. قانون

1. Sun Beal, Sara, "A Response to the Critics of Corporate Criminal Liability", American Criminal Law Review, Vol. 46, 2009, p. 1842.
2. Buel, Samuel, "The Blaming Function of Entity Criminal Liability", Indiana Law Journal, Vol. 81, 2006, pp. 29-49.

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۳ به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است و در ماده ۲۰ قانون یادشده با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن شخص حقوقی را قابل مجازات می‌داند و علاوه بر آن به موجب ماده ۲۱ همان قانون مجازات اشخاص حقوقی در مقایسه با اشخاص حقیقی شدیدتر است. به موجب ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود». به موجب این مواد اشخاص حقوقی در ایران قابل تعقیب و مجازات هستند و مسئولیت کیفری آنها پذیرفته شده است و می‌توان گفت که مسئولیت کیفری آنها نیز مانند اشخاص حقیقی، شخصی است و به دیگران سرایت نخواهد کرد و هرگاه اتهامی به آنها وارد گردید همانند شخص حقیقی، برخوردار از کلیه اصول کلی و عادلانه رسیدگی کیفری و محاکمات جزایی است و دادگاه‌ها تا زمانی که دلایل کافی برای تعقیب اشخاص حقوقی نداشته باشند، حق ورود به این عرصه را نخواهند داشت.^۱

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌تواند بر مبنای نوعی مسئولیت نیابتی توجیه شود که تفویض اختیار به نمایندگان، پایه اصلی مسئولیت کیفری شخص حقوقی را تشکیل می‌دهد.^۲ تنها در موردی می‌توان شخص حقوقی را از حیث کیفری مسئول دانست که اعمال مجرمانه‌ای که آن را با مسئولیت روبرو می‌سازد از ناحیه شخص حقیقی ارتکاب یابد که این شخص حقیقی اعم از مدیر عامل، مدیران و نمایندگان شرکت خواهد بود. شرط دیگری که مبنای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تشکیل می‌دهد، ارتکاب جرم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی است؛ به عبارت دیگر عمل مجرمانه‌ای که در راستای منافع و به «حساب شخص حقوقی» باشد.^۳ شخص حقوقی در صورتی مسئولیت کیفری خواهد داشت که اعمال مجرمانه شخص حقیقی در راستای منافع یا به نام شخص حقوقی ارتکاب یابد. لذا ارتکاب جرائمی که وابسته یا در راستای منافع شخص حقوقی نیست از قبیل شرب خمر، زنا و مواردی مشابه آن، هیچ‌گاه مسئولیت کیفری شخص حقوقی را ایجاد نخواهد کرد.^۴ چرا

1. Doyl, Charles, "Corporate Criminal Liability: An Overview of Freedom Law", Congressional Research Service, Vol. 30, October 2013, p. 14.

2. Weissman, Andrew; & David Newman, "Rethinking Criminal Corporate Liability", Indiana Law Journal, Vol. 84, 2007, p 412.

۳. فرج‌الهی، رضا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، انتشارات میزان، ۱۳۸۸، ص. ۸۴.

۴. نبی‌پور، محمد، «شرایط مسئولیت کیفری در لایحه قانون مجازات اسلامی»، مجله تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۴.

که در اصل این اعمال ذاتاً یک فاعل انسانی را می‌طلبد و تنها اشخاص حقیقی می‌توانند مرتکب چنین اعمالی شوند. جدا از این به عنوان دلیل مکمل نیز می‌توان گفت که شرط اصلی و اولیه در انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی که همانا ارتکاب جرم در راستای منافع آن باشد، صورت نگرفته است.^۱ علاوه بر اینها ارتکاب فعل مجرمانه از ناحیه نماینده شخص حقوقی که حتماً باید یک شخص حقیقی باشد، باید در راستای وظایف وی باشد که در قانون یا اساسنامه برای او تعیین گردیده است. لذا ارتکاب اعمالی که خارج از وظایف شخص حقیقی است، مسئولیت کیفری شخص حقوقی را به دنبال نخواهد داشت و او باید در راستای وظیفه استخدامی خود مرتکب جرم شده باشد. مثلاً مدیر عاملی که به موجب اساسنامه شرکت حق امضاء برخی از اسناد را نداشته باشد و یا عضو هیئت مدیره‌ای که از برخی اعمال به موجب اساسنامه شرکت یا قانون، ممنوع شده باشد، اگر در این راستا مرتکب جرم شود مسئولیت کیفری متوجه شخص حقوقی نیست و شخص حقیقی به تنهایی عهده‌دار کلیه عواقب ناشی از ارتکاب اعمال مجرمانه خود خواهد بود.

پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی دارای استثنائاتی نیز می‌باشد که قانون آن را مشخص کرده است. تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعلام می‌دارد که «مجازات موضوع این ماده در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.» این تبصره اشخاص حقوقی عمومی دولتی و اشخاص حقوقی غیردولتی را مشمول مجازات موضوع ماده ۲۰ ندانسته و آنها را در صورتی که به اعمال حاکمیت^۲ بپردازند، قابل مجازات نمی‌داند. مفهوم مخالف این امر آن است که این اشخاص در صورتی که اقدام به اعمال تصدی^۳ کنند، قابل مجازات نخواهند بود. تصمیم دولت آثار فراوانی را بر اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی بر جای خواهد گذاشت. از جمله می‌توان به انتساب مسئولیت مدنی و جبران‌ها، لزوم پرداخت یا معافیت از هزینه دادرسی، نحوه استیفای مطالبات دولتی، وضع حقوق و عوارض^۴ و از همه مهم‌تر انتساب مسئولیت کیفری اشاره کرد. به نظر می‌رسد برای اولین بار در این خصوص در بند الف ماده ۶۴ قانون برنامه سوم

۱. شریفی، محسن؛ و دیگران، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، ۱۳۹۲، ص. ۶۶.
۲. مصادیق امور حاکمیتی به تفصیل در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ بیان گردیده است.
۳. مصادیق امور تصدی به تفصیل در ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ بیان گردیده است.
۴. توازنی‌زاده، عباس، «تأملی بر نظریه اعمال حاکمیت و تصدی بر رژیم حقوقی حاکم بر سازمان‌های دولتی و برنامه‌های اصلاح ساختار نظام اداری ایران»، فصلنامه پژوهش و راهبرد، شماره ۵۱، ۱۳۸۵، ص. ۵۸.

توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تقسیم‌بندی اعمال حاکمیتی^۱ و اعمال تصدی و تفکیک آنها از یکدیگر پرداخته شد. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از آن جهت که در قانون تجویز نشده بود در رویه قضایی نیز منعکس نمی‌شد و جز در موارد مشخصی که در قوانین متفرقه شکل گرفته بودند، رویه قضایی از این حیث نتوانسته بود جایگاه خود را بیابد و به حل مسئله کمک کند.^۲ اما امروزه به جهت تغییر و تحول در رویکردهای جرم‌شناختی نسبت به اجرای مجازات‌ها، می‌توان به تحولات قوانین کیفری همسو با این موضوع نیز اشاره کرد. اگر تا قبل از این سیاست کلی حاکم بر مجازات اشخاص، سزادهی و پس از آن بازپروری و اصلاح مجرمان بود و به موجب آن اشخاص حقوقی نمی‌توانستند موضوع اهداف جرم‌شناسانه قرار گیرند و به این دلیل که آنها قابلیت سزادهی و بازپروری ندارند، در دنیای جدید اهداف دیگری نیز در مجموعه علوم جنایی و در رأس آنها جرم‌شناسی ایجاد شده است که می‌توان به بزه‌دیده‌شناسی حمایتی و لزوم جبران خسارت و زدودن آثار مادی جرم اشاره کرد، به علاوه نظام نوین کیفرگذاری‌ها به سمت کیفرهای جانشین و حل‌وفصل مدنی اختلاف متمایل گردیده است. بنابراین چنین رویکردی باعث می‌گردد تا پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر مبنای روند اعمال نوین کیفرها قابل توجیه باشد و از این طریق ضعف نظریه‌های سابق قابل توجیه شود. اعمال مجازات بر اشخاص حقوقی از منظر جبران خسارت بزه‌دیدگان و کاهش آلام و درد و رنج‌های آنها و نیز سیاست‌های مبتنی بر بازدارندگی توجیه‌پذیر است و می‌توان تحولات جدید جرم‌شناسی و رویکردهای افتراقی آن در ابتدای هزاره سوم را به عنوان اصول کلی پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شناخت^۳ و آنها را به عنوان توجیه کیفر معرفی نمود. رشد روزافزون تکنولوژی و فناوری‌های نوظهور و تشکیل بی‌شمار شخصیت‌های حقوقی خصوصاً اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، تمامی معادلات سنتی که در دنیای امروز باقی مانده‌اند را به شدت تحت‌الشعاع خود قرار داده است. پذیرش شخصیت حقوقی مستقل برای اشخاص

۱. همان.

۲. دمرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ و محسن قرائی، قانون تجارت در نظم حقوق کیفری، چاپ دوم، انتشارات دادستان، ۱۳۹۲، ص. ۹۴۰.

۳. در ابتدای قرن بیست و یکم به دلیل ظهور مسائل و مباحث نوین در عرصه جرم‌شناسی، تحولات گسترده‌ای در این عرصه ایجاد شده است. جرم‌شناسی انتقادی با تحکیم اندیشه‌های خود و تحمیل آن‌ها بر بیکره جرم‌شناسی، نظریات نوین و مختلفی را ایجاد کرده که از زمره آنها می‌توان به ظهور مجدد گفتمان نئوکلاسیک نوین و جنبش‌های بازگشت به کیفر اشاره کرد. علاوه بر این موارد، تشکیل تئوری‌های جدیدی از جمله عدالت استحقاقی، عدالت سنجشی و عدالت سزادهی، رویکردهای جرم‌شناختی را به سمت دیگر سوق داده است و اهداف نخستین و اولیه جرم‌شناسی، در آغاز هزاره سوم تا حدود زیادی رنگ باخته‌اند.

حقوقی، داشتن دارایی ویژه و خاص خود، داشتن نام و اقامتگاه مشخص که جدای از اشخاص حقیقی تشکیل‌دهنده آن می‌باشد، نقش بسیار مهم سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های دولتی در اقتصاد جهانی و تولید و نیز لزوم پذیرش مجازات‌های خاص و هماهنگ با جرائم ارتکاب‌یافته توسط اشخاص حقوقی از جمله جزای نقدی و مصادره اموال، محرومیت از پروانه عملیات تجاری، ممنوعیت از انجام تجارت خاص و دیگر ضمانت‌اجراه‌های مالی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را قابل توجیه کرده است^۱ و علاوه بر آن می‌توان قائل به نوعی مسئولیت کیفری بین‌المللی^۲ برای اشخاص حقوقی شد و آنها را از جنبه بین‌المللی نیز دارای مسئولیت کیفری دانست.

۲. وضعیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه

حقوق کیفری به دنبال مجازات کردن اشخاصی است که مرتکب جرم شده‌اند و در این خصوص به استناد صدر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اصل بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی است. به کلیه افراد انسانی که دارای قوه تعقل و اراده باشند اشخاص حقیقی گفته می‌شوند. در مقابل اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی قرار دارند که از اجتماع افراد انسانی و قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر به منظور تحقق اهداف خاص تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر اشخاص حقوقی هنگامی تشکیل می‌شوند که گروهی از افراد که دارای منافع و فعالیت‌های مشترک باشند و یا دارایی و اموالی خاص که با در کنار هم قرار گرفتن، قانون آنها را طرف حق و تکلیف بداند.^۳ اشخاص حقوقی به محض شکل‌گیری شخصیت مستقل و جدا از تشکیل‌دهندگان آنها کسب می‌کنند و دارای حقوق و تکالیف و وظایف خاص خود می‌گردند. به صراحت ماده ۵۸۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد؛ مانند حقوق و وظایف بنوت و امثال آن. با این حال شخص

۱. کیوتو، ان، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ژاپن»، ترجمه اسماعیل عبدالهی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۷.

۲. برخورداری از شخصیت حقوقی و ایفای نقش عمده در عرصه بین‌المللی از جانب اشخاص حقوقی، امروزه به موضوعی اساسی بدل گردیده است و چون اقتصاد جهانی پیوند عمیقی با شرکت‌ها و اشخاص حقوقی تجاری ملی و چندملیتی ایجاد کرده، لازم است که حقوق و وظایف این اشخاص در عرصه بین‌المللی تعریف و حدود آن مشخص شود. همین موضوع باعث گردیده تا مسئولیت کیفری بین‌المللی اشخاص حقوقی، خصوصاً اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که به امر تجارت در عرصه بین‌المللی می‌پردازند نسبت به قبل، اهمیت بیشتری بیابد و مورد توجه قرار گیرد. تشکیل کنفرانس‌ها و سمینارهای زیادی در سطح بین‌المللی و بحث و گفتگوی فراوان در این زمینه حکایت از روند روبه‌رشد حقوق و تکالیف این اشخاص دارد.

۳. صفایی، سیدحسین؛ و مرتضی قاسم‌زاده، حقوق مدنی: اشخاص و مجبورین، چاپ نهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۷.

حقوقی که به موجب قانون توسط افراد تشکیل‌دهنده آن شکل می‌گیرد، می‌تواند تصمیمات خود را توسط مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، اجرایی کند و از این طریق به جریان امور خود بپردازند.

شخصیت حقوقی^۱ به معنای برخورداری از ویژگی‌ها و امتیازاتی است که به موجب آن نوعی اهلیت برای آن حاصل می‌شود و از قبل وجود چنین اهلیتی است که قانون شخص حقوقی را در جامعه برخوردار از حق و تکلیف می‌داند و شخص حقوقی می‌تواند آن را در حوزه اعمال خود اجرایی کند.^۲ شخصیت حقوقی باعث خواهد شد که نوعی روح در کالبد شخص حقوقی دمیده شود و به موجب آن به مثابه اشخاص حقیقی می‌تواند از کلیه حقوق و امتیازات و در مقابل وظایف و تکالیف برخوردار شود و قانون آن را به رسمیت بشناسد. لذا شکل‌گیری شخص حقوقی با شکل‌گیری شخصیت حقوقی نیز همراه است و این شخصیت حقوقی است که می‌تواند مبنای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را تشکیل دهد و عنصر اصلی در انتساب افعال مجرمانه و متعاقب آن مسئولیت کیفری و مجازات به اشخاص حقوقی باشد.

آنچه که در اینجا اهمیت می‌یابد آن است که شخصیت حقوقی در اشخاص حقوقی تا چه زمانی پابرجاست و تا چه وقت می‌توان آنها را دارای شخصیت حقوقی مستقل از تشکیل‌دهندگان آن فرض کرد. چرا که هر زمان شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی به پایان رسد، مانند شخصیت حقیقی که فوت و مرگ او فرا رسیده باشد تلقی می‌گردند که بدیهی است پس از مرگ شخص حقوقی انتساب مسئولیت کیفری و مجازات وی امکان‌پذیر نخواهد بود. اشخاص حقوقی از زمان تشکیل رسمی آنها دارای شخصیت حقوقی می‌گردند و از همان لحظه همانند اشخاص حقیقی می‌توان مسئولیت کیفری را به آنها منتسب دانست. به صراحت ماده ۵۸۷ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ «مؤسسات و تشکیلات بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.» این مؤسسات اشخاص حقوقی حقوق عمومی هستند و در هر صورت که اعمال حاکمیتی و یا اعمال تصدی را عهده‌دار شوند، به محض ثبت اساسنامه و تشکیل آنها به موجب قانون دارای شخصیت حقوقی مستقل و جدای از تشکیل‌دهندگان آنها می‌شوند و از آن لحظه دارای شخصیت حقوقی و طرف حقوق و تکالیف می‌گردند. از این نوع اشخاص می‌توان به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی اشاره کرد. همچنین به صراحت ماده ۱۷ قانون تجارت اصلاحی ۵۳، پس از آن که مجمع

1. Legal personality

۲. ملک‌زاده، فهیمه، فرهنگ حقوق تجارت، چاپ دوم، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱، ص. ۲۶۳.

عمومی مؤسس مدیران و بازرس و یا بازرسان شرکت را انتخاب نمود و آنها نیز کتباً قبول سمت کردند، شرکت تشکیل شده محسوب می‌گردد. بنابراین تشکیل شخصیت حقوقی در اشخاص حقوقی بسته به اینکه از نوع اشخاص حقوقی حقوق عمومی یا خصوصی باشد متفاوت خواهد بود.

شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی از یک نقطه شروع می‌شود و در یک نقطه خاص نیز به پایان می‌رسد. مسلماً در صورتی که دچار ورشکستگی یا محجوریت شوند، شخصیت حقوقی آنها به صورت ناقص باقی می‌ماند. به طوری که آنها نمی‌توانند حقوق و تکالیفی که به موجب قانون برای آنها حاصل گردیده را اجرا کنند. لذا در این مواقع مدیر تصفیه، قییم و یا ولی و سرپرست قانونی آنها حقوق و تکالیف آنها را اجرا خواهند کرد.^۱ چرا که آنها با وصف داشتن شخصیت حقوقی از اجرای حقوق و وظایف خود ناتوان هستند. بنابراین در این صورت شخصیت حقوقی آنها موجود اما به صورت متزلزل نمود پیدا کرده و توسط دیگران اداره خواهد شد.

در خصوص شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی می‌توان گفت که از حیث مباحث نظری، پایان شخصیت حقوقی این اشخاص محل تأمل و بحث است. از یک طرف می‌توان پایان شخصیت اشخاص حقوقی را زمان توقف آنها دانست چرا که با حصول توقف به معنای وقفه در تأدیه وجوهی که بر عهده اوست، وی مکلف خواهد بود که به موجب ماده ۴۱۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، ظرف سه روز توقف خود را به محاکم اعلام نماید. لذا می‌توان گفت که از این زمان، شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی^۲ به پایان رسیده است، چرا که تاجر ورشکسته مکلف به اعلام توقف خود می‌باشد و حق هیچ‌گونه دخالت در اموال خود را نخواهد داشت و در صورتی که هرگونه اعمالی به عنوان معامله توسط تاجر ورشکسته یا نمایندگان شرکت تجاری صورت گیرد، اگر در محدوده ماده ۴۲۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ باشد باطل و بلااثر خواهد بود. از طرف دیگر می‌توان گفت که شخص حقوقی با صدور حکم ورشکستگی شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد؛ چرا که با صدور حکم ورشکستگی اهلیت ورشکسته مورد تشکیک قرار می‌گیرد و بدین سبب است که تاجر از دخالت در اموال خود منع می‌شود^۳ و چون

۱. صفایی؛ و قاسم‌زاده، پیشین، صص. ۳۰۸-۲۵۷.

۲. در کلیه مطالب این نوشتار، منظور از شخص حقوقی، اشخاص حقوقی حقوق خصوصی هستند که قابلیت انحلال و تصفیه را خواهند داشت. اشخاص حقوقی حقوق عمومی نمی‌توانند ورشکسته شوند و هرگاه از تأدیه دیون و بدهی‌های خود ناتوان شوند، تکلیف آنها در قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت مصوب ۱۳۶۵ مشخص گردیده است.

۳. روشن، محمد؛ و مصطفی نظری، «بررسی آثار حکم ورشکستگی و رفع آن»، فصلنامه حقوق، شماره ۱۰۱، ۱۳۸۹، ص. ۷۴.

شخصیت حقوقی شرکت یک امر اعتباری و قراردادی است و تشکیل یک واقعیت قضایی را می‌دهد، لذا اراده آن از اراده تشکیل‌دهندگان آن جداست^۱ و به محض صدور حکم ورشکستگی شخصیت حقوقی خود را از دست خواهد داد و بدین سبب است که اشخاص تشکیل‌دهنده حق دخالت و انجام معامله را نخواهند داشت و تمامی امور به دست مدیر تصفیه یا اداره امور ورشکستگی سپرده می‌شود و تاجر ممنوع از مداخله در امور شرکت می‌گردد، زیرا این یکی از نتایج ورشکستگی است.^۲ اما نظریه دیگری که وجود دارد این است که شخصیت حقوقی تا پایان تصفیه امور ورشکسته ادامه خواهد یافت و صدور حکم ورشکستگی مانع از انحلال شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی نیست، لذا اشخاص حقوقی در حال تصفیه در طول مدت تصفیه و انحلال شخصیت خود را حفظ می‌کنند. قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ در ماده ۲۰۸ این نظریه را پذیرفته و به صراحت اعلام می‌دارد که شخصیت حقوقی شرکت تا خاتمه امر تصفیه جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند. بنابراین، توقف از تأدیه وجوهی که پرداخت آن بر عهده شرکت تجاری بوده موجب پایان شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی نیست و شخصیت آنها تا زمان تصفیه و انحلال کامل باقی خواهد ماند.^۳ برای پایان شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی شرایطی لازم است که مواد قانون تجارت آن را مشخص نموده و شرایط آن را بیان کرده است که می‌تواند به صورت انحلال اختیاری و یا الزامی که به موجب رأی دادگاه صورت می‌گیرد، حاصل شود (مواد ۱۹۹ تا ۲۰۵ قانون تجارت اصلاحی مصوب ۱۳۴۷). بنابراین هرگاه انحلال شرکت آغاز شد، این شرکت می‌تواند مقدمه‌ای برای پایان شخصیت شخص حقوقی باشد.^۴ نه اینکه شخصیت حقوقی آن را زایل کند و به آن پایان دهد. به موجب ماده ۲۰۶ قانون تجارت اصلاحی مصوب ۱۳۴۷ «شرکت به محض انحلال، در حال تصفیه محسوب می‌شود» و از این لحظه نوع دیگر و روش متفاوتی از حیات شخص حقوقی ایجاد می‌گردد و می‌توان گفت که شخصیت حقوقی شرکت دوران جدیدی را که قانون برای آن مشخص نموده است، آغاز می‌کند. از زمان شروع انحلال تا خاتمه آن، شخصیت حقوقی شرکت به عنوان شخصیت حقوقی جدیدی شناخته می‌شود که حقوق و وظایف و در مقابل تکالیف خاص و مشخصی را

۱. فرج‌الهی، رضا، «بررسی تحولات حقوق جزایی فرانسه در قانون اخیر»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۱۸ - ۱۷، ۱۳۷۵، ص. ۵۷.

۲. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، تصفیه امور ورشکستگی، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۹، ص. ۶۴.

۳. روح‌الامینی، محمد، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۸.

۴. باریکلو، علیرضا، اشخاص و حمایت‌های حقوقی از آنان، چاپ ششم، انتشارات مجد، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰.

می‌یابد و اگر چه شخصیت حقوقی آن هنوز به حکم قانون به اتمام نرسیده است، اما شرایط نوینی در استقرار شخصیت حقوقی شرکت ایجاد می‌شود که کاملاً متفاوت با شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی قبل از انحلال و تصفیه است، چرا که حقوق و تکالیفی که در این دوره برای شخص حقوقی بیان گردیده، نوعی حقوق افتراقی و متمایز از حقوق و تکالیف سابق شخص حقوقی است و از این حیث می‌توان گفت شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه، یک شخصیت حقوقی کاملاً استثنایی است که از حیث احکام و آثار به موضوعی اختصاصی بدل گردیده است.

با این تفاسیر به موجب متن صریح مواد قانون تجارت، اشخاص حقوقی در حال تصفیه استثنائاً شخصیت حقوقی خود را حفظ می‌کند و شروع به انحلال آنها نمی‌تواند موجهی برای پایان دادن به شخصیت حقوقی آنها باشد. این اشخاص تا زمان انحلال و تصفیه کامل از شخصیت حقوقی برخوردارند و حیات آنها صرفاً به موجب قانون که این امر استثنایی را پذیرفته است، استمرار می‌یابد و بر خلاف اشخاص که با مرگ، شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهند، تا زمان تصفیه کامل به حیات خود ادامه خواهند داد. لیکن بدان جهت که حقوق و تکالیف آنها نوعی حقوق و تکالیف خاص است و به محض شروع انحلال الزامی می‌گردند، می‌توان حیات و استمرار شخصیت حقوقی آنها را نوعی حیات و شخصیت حقوقی استثنایی و متزلزل نامید. هر چند که این حیات و دوام شخصیت تا پایان تصفیه کامل اشخاص حقوقی پا برجاست. اما به تجویز قانون و برای تعیین نوعی حقوق و تکالیف خاص، شخصیت حقوقی آنها نوعی استقرار و دوام متزلزل خواهد یافت و لزوم بقای شخصیت حقوقی آنها به موجب ماده ۲۰۸ قانون تجارت اصلاحی، هیچگاه دلیل بر تساوی شخصیت حقوقی اشخاص در حال تصفیه با شخصیت حقوقی قبل از دوره تصفیه نخواهد بود. اما این مسأله باعث نخواهد شد در انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حال تصفیه ایرادی مطرح گردد، چرا که این شخصیت استثنایی اشخاص حقوقی در حال تصفیه، صرفاً از حیث حقوق و تکالیف مدیران تصفیه و مدیران شرکت و همچنین روند پرداخت دیون و وصول مطالبات واجد اهمیت بوده و از نقطه نظر مسئولیت کیفری مؤثر نخواهد بود.

۳. قابلیت انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حال تصفیه

همان‌طور که در گفتار قبل اشاره گردید، هرچند که اصل بر این است که شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی با شروع اعمال تصفیه، از بین رفته و زایل شود. لذا حیات و استمرار شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه، مصداقی از شخصیت حقوقی متزلزل و استثنایی است و بدین سبب نمی‌توان انتساب صریح

مسئولیت کیفری به آنها را با اشکال مواجه دانست. با این وجود می‌توان گفت که انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حال تصفیه و پس از آن اعمال مجازات بر آنها، محل تأمل نبوده و می‌توان مسئولیت کیفری را به آنها منتسب دانست. در قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پذیرفته شده است و تا حدود زیادی زوایای آن مشخص گردیده؛ و هرچند که هنوز هم با اشکالاتی روبرو است، اما می‌توان به صراحت به انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حال تصفیه و متعاقب آن اعمال مجازات بر آنها، حکم دارد. دلایل این برداشت در موارد پیش رو مورد بررسی می‌گردند.

۳-۱. پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک قاعده

صدر ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص، اصل را بر مجازات اشخاص حقیقی قرار داده است. پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی با تردیدهایی روبرو بوده که بنا به دلایل مختلف که برخی از آنها را دلایل جرم‌شناختی تشکیل می‌دهند، نمی‌توانستند مورد خطاب قانون‌گذار و اعمال مجازات واقع شوند.^۱ چرا که مجازات خاص اشخاص حقیقی بوده و بنیان‌ها و اصول کلی حقوقی کیفری بر این امر صحه گذاشته بود. علاوه بر این تا قبل از شکل‌گیری اشخاص حقوقی حقوق خصوصی با شرایط نوین امروزی، اشخاص حقوقی تا حدود زیادی به اشخاص حقوقی حقوق عمومی منتسب می‌شدند که در رأس آنها دولت قرار داشت. لذا دولت چون معادل حاکمیت بود نمی‌توانست به مجازات خود بپردازد^۲ و اگر چنین عملی صورت می‌گرفت، قابل توجیه نبود. قانون‌گذار ایرانی برای اولین بار در یک قانون خاص به نام مجازات جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، در ماده ۱۹ (ماده ۷۴۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخت. هرچند که تا قبل از این در قوانین خاص مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به ندرت پذیرفته شده بود، اما این قانون و بعد از آن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تبیین زوایای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی رسماً به این موضوع جامعه عمل پوشاندند. تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون مجازات جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ (ماده ۷۴۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی) و نیز قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرچند مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را جدای از مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی می‌دانند، اما این موضوع باعث نمی‌شود تا استثنایی بودن مسئولیت

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی. جلد دوم، چاپ بیست و هشتم، میزان، ۱۳۹۲، ص. ۵۶.
 ۲. عباسی، بیژن، «بررسی ویژگی‌های حقوقی دولت»، پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۸۶، ص. ۹۲.

کیفری اشخاص حقوقی و اصل بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی استنباط شود. علاوه بر این موارد، در جریان تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ایراداتی که شورای نگهبان بر متن لایحه وارد می‌ساخت، می‌توان بیشتر از این به قاعده بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی پی برد؛ چرا که پیرو این فرآیند تقنینی، عنوان «مجازات اشخاص حقوقی» که برای مبحث دوم از فصل اول این لایحه در نظر گرفته شده بود حذف گردید چرا که شورای نگهبان تمایل به ذکر این عنوان در قانون به عنوان یک مبحث جداگانه نداشت. همچنین در کنار ایراداتی که به لایحه مجازات اسلامی گرفته می‌شد، موضوع مربوط به مصادره اموال بود که به صورت مبهم، هم کل و هم جزء اموال را شامل می‌شد که باید بر اشخاص حقوقی تحمیل می‌گردید، که به دنبال تأمین نظر شورای نگهبان این موضوع به مصادره کل اموال، نه جزء آن تغییر یافت. علاوه بر اینها، ایراد دیگری که بر ماده ۲۰ لایحه مجازات اسلامی وارد آمد، آن بود که مجازات مندرج در ماده ۲۰ باید با توجه به نوع و درجه اتهام و اهمیت آن در نظر گرفته می‌شد که اصل لایحه به صورت کلی به این موضوع پرداخته بود که این مورد هم در نهایت در متن اصلی قانون به صورت «با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زبان‌بار آن» اصلاح گردید. از بیان موارد فوق می‌توان چنین برداشت کرد که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، دیگر یک موضوع استثنایی نیست و می‌توان گفت که اگر قانون‌گذار به این موضوع پرداخته است، صرفاً از باب رفع نیازهای اجتماعی و ظهور ارزش‌های جدید در جامعه است که لزوم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و مجازات آنها را توجیه‌پذیر کرده است. با وجود این، چون پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت یک قاعده در قانون متجلی گردیده است، اگر شخص حقیقی که نماینده شخص حقوقی در حال تصفیه است، به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود، علاوه بر اینکه به تنهایی و شخصاً باید مسئولیت اعمال مجرمانه خود را بر عهده بگیرد، این موضوع هیچ‌گاه باعث ورود خدشه در شکل‌گیری مسئولیت کیفری شخص حقوقی در حال تصفیه نخواهد شد.

۳-۲. عدم توجه به شخصیت حقوقی متزلزل اشخاص حقوقی در حال

تصفیه

اشاره گردید که شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه تا زمان انحلال و تصفیه کامل باقی خواهد ماند. قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ در ماده ۲۰۸، علت اصلی این کار را «انجام امور مربوط به تصفیه» اعلام کرده است. در حین انجام عملیات مربوط به تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت صرفاً جهت امور مربوط به تصفیه و انجام تکالیفی که بر عهده مدیر تصفیه یا اداره امور ورشکستگی است، انجام پذیرد،

باقی خواهد ماند. هدف از ورشکستگی در این موارد جمع‌آوری اموال و وصول مطالبات شرکت و تقسیم عادلانه این اموال میان طلبکاران است.^۱ اگر مدیر تصفیه یا اداره امور ورشکستگی بخواهد به وظایف خود که همانا تقسیم اموال بین طلبکاران است بپردازد، لازم است که شخصیت حقوقی شرکت تا پایان امر تصفیه باقی بماند. بدین سبب است که قانون‌گذار در ماده ۲۰۸ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ بر وجود و بقای شخصیت شخص حقوقی در حال تصفیه تا زمان خاتمه تصفیه، نظر داشته است. چنین شخصیتی اگر باقی است، صرفاً جهت انجام وظایف امور ورشکستگی است و در اصل، شخصیت حقوقی شخص حقوقی پایان یافته است اما استثنائاً پذیرفته شده که در این مورد استمرار و بقای شخصیت حقوقی ادامه یابد. بنابراین شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه قطعاً یک شخصیت حقوقی متزلزل است و ماهیتاً با شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی قبل از زمان تصفیه متفاوت خواهد بود. به همین دلیل است که مدیران و صاحبان اصلی شخص حقوقی در زمان تصفیه نمی‌توانند در امور شخص حقوقی مداخله نمایند و کلیه وظایف بر عهده مدیر تصفیه گذاشته شده است. اگر شخصیت حقوقی شرکت، یک شخصیت عادی بود، لازم نبود چنین تصمیمی گرفته شود.

وظایف و اختیارات نمایندگان شخص حقوقی در حال تصفیه در قانون مشخص گردیده است. در ماده ۲۱۲ قانون تجارت اصلاحی مصوب ۱۳۴۷، مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه محسوب می‌شوند و کلیه اختیارات لازم را جهت «امر تصفیه» دارا می‌باشند. مدیر تصفیه می‌تواند در سرنوشت شرکت تصمیم بگیرد و کارهایی را برای آینده شرکت انجام دهد^۲ و کلیه اختیاراتی که یافته است، صرفاً برای انجام امور مربوط به تصفیه شرکت و ادای دیون طلبکاران و رسیدگی به مطالبات است. توقیف و مهر و موم ترکه، تشخیص مطالبات طلبکارها، انجام معاملاتی در جهت کسب سود متعاقب آن منتفع شدن طلبکارها، تفریغ حساب و ... وظایفی است که بر عهده مدیر تصفیه قرار داده شده است که همه آنها صرفاً برای رسیدن دپان و طلبکاران به حقوق مالی خود می‌باشد. لذا بقای شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه، جز در راستای تأمین حقوق طلبکاران نیست و می‌توان گفت که چنین شخصیتی، یک

۱. طجلولو، رضا، «بررسی مبانی نظری حقوق ورشکستگی در سیستم حقوقی آمریکا و انگلستان»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۳.
 ۲. هرت، الیوت، «رویکردهای مختلف به ورشکستگی»، ترجمه کوروش کاویانی و شاهین شامی اقدم، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴۱-۴۰، ۶-۱۳۸۵، ص. ۸۳.

شخصیت حقوقی متزلزل و استثنایی است که تنها به موجب مصلحت حفظ حقوق طلبکاران پا برجاست نه رعایت شرایط و موضوعات دیگر.

علاوه بر این مواد ۲۶۸ و ۲۶۹ قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ مسئولیت کیفری مدیر یا مدیران تصفیه را مورد توجه قرار داده و برای آنها مجازات تعیین کرده است. به نظر می‌رسد تعیین مجازات برای مدیر یا مدیران تصفیه حتی اگر به نام یا در راستای منافع اشخاص حقوقی در حال تصفیه باشد، خود نوعی تأیید این مدعاست که شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه، نوعی شخصیت حقوقی متزلزل و استثنایی است. چرا که همانطور که قبلاً گفته شد به موجب قوانین خاص، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تا حدودی در نظام کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته بود و اگر قانون تجارت اصلاحی مصوب ۱۳۴۷، اشخاص حقوقی در حال تصفیه را واجد شخصیت حقوقی باثبات فرض می‌کرد و آنها را دارای مسئولیت کیفری و متعاقباً قابل تحمیل مجازات می‌دانست، لازم بود که در این راستا تصمیم می‌گرفت، لیکن چنین موضعی در قانون تجارت پذیرفته نشده است. همچنین در مواد ۵۵۵ و ۵۵۶ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مسئولیت کیفری مدیر تصفیه را جدای از شخص حقوقی در حال تصفیه پذیرفته و مبنای اصلی چنین مجازاتی را صرفاً ضرر طلبکارها دانسته است.^۱ با وجود این می‌توان گفت آنچه که شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در زمان تصفیه را به صورت کاملاً استثنایی و متزلزل حفظ کرده است، تنها رسیدگی به امور تصفیه و رعایت حقوق طلبکاران می‌باشد و این شخصیت استثنایی نمی‌تواند قابلیت انتساب مسئولیت کیفری را زایل نماید و متعاقب آن چنین اشخاصی به مجازات محکوم می‌شوند. لذا اگر شخص حقیقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی در حال تصفیه مرتکب جرم شود، علاوه بر اینکه خود وی مسئول است، همچنان پایه‌های مسئولیت کیفری شخص حقوقی در حال تصفیه نیز باقی خواهد ماند.

۳-۳. عدم امکان توسل به اصل تفسیر مضیق در قوانین و مقررات

کیفری

قوانین کیفری و مجازات‌ها، تنها در صورتی قابل اعمال می‌باشند که بتوان قابلیت انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی را به اثبات رساند. تمامی اعمال و رفتارهای افراد انسانی قابل مجازات نیستند و زمانی می‌توان متعرض آنها شد که در قانون چنین عملی جرم‌انگاری شده باشد. آزادی عمل و اصل مباح بودن اعمال انسانی و لزوم آزادی در اجتماع و محدود نکردن رفتار انسانی، به عنوان اصول کلی

اخلاقی پذیرفته شده است. لذا در صورتی می‌توان بر متهم رنج و تعب مجازات را تحمیل کرد که اعمال وی صراحتاً در قانون به عنوان نمودی از رفتارهای مجرمانه شناخته شده باشد. بدین معنا که تنها قانون است که حق محدود کردن آزادی افراد را داراست و قضاات نمی‌توانند در مقام تفسیر موسع قوانین، عملی را جرم‌انگاری و یا از عملی دیگر جرم‌زدایی کنند. لذا از این موضوع، این اصل مهم استنباط خواهد شد که قانون مجازات باید تفسیر محدود و مضیق شود. قدیمی‌ترین سبک و روشی که برای تفسیر متون حقوقی و قوانین وجود دارد، تفسیر مضیق یا محدود است. یکی از مبانی اصل توسل به این اصل، تفکیک قوا و لزوم جدایی نهادهای حکومتی از یکدیگر می‌باشد^۱ زیرا اجرای قانون بر عهده قضاات گذاشته شده است و اگر قرار باشد که آنها با ارائه دیدگاه‌ها و نظرات خود، قانون را با حدود اختیارات زیاد تفسیر موسع کنند، آزادی‌های بشری و حقوق اولیه و بنیادین افراد تضییع خواهد شد. هر چند که مقنن سعی و تلاش کلی خود را بر آن خواهد داشت تا قانون ابهام، اجمال و تناقضی نداشته باشد و همه موارد لازم را در متن قانون ذکر کند، اما در مواردی که قانون علی‌رغم تلاش خود در نگارش صحیح قانون، دچار اشکالاتی خواهد شد که قضاات ناگزیر از تفسیر قانون می‌باشند تا بتوانند نظر اصلی مقنن را احراز کنند. یکی از مواردی که قضاات را مجاز به این امر می‌کند، استثنایی بودن موارد و مسائلی است که در قانون پیش‌بینی گردیده است. از آنجا که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی، به صورت یک قاعده پذیرفته شده است و چون اشخاص حقوقی قابلیت انتساب مسئولیت کیفری یافته‌اند، به جهت عدم وجود استثناء در شکل‌گیری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نمی‌توان اصل کلی ممنوعیت تفسیر موسع قوانین کیفری را جاری ساخت و لازم است که گفته شود، در مواجهه با موضوعات استثنایی است که اصل تفسیر مضیق کیفری به ما اجازه نخواهد داد تا به گسترش دامنه قوانین کیفری بپردازیم نه در موارد پذیرش یک موضوع به عنوان قاعده.

هرچند که وضعیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه، در قوانین کیفری ایران به سکوت واگذاشته شده است و تکلیف آنها، در صورتی که اشخاص حقوقی به نام یا در راستای منافع آنها مرتکب جرم شوند مشخص نگردیده است، اما به نظر نمی‌رسد آنچه که به عنوان مسئولیت کیفری در اشخاص حقوقی پذیرفته شده است، مسئولیت کیفری شخص حقوقی دارای شخصیت حقوقی تام و کامل باشد. اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، مانع از تفسیر موسع و گسترش دامنه حقوق کیفری است و این موضوع

۱. محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲، ص. ۳۳۲.

زمانی می‌تواند در تفسیر متون کیفری کاربردی شود که یک امر استثنایی برای ما مبهم و مجمل باقی بماند. لذا در صورتی که شخص حقیقی به نمایندگی از شخص حقوقی در حال تصفیه، به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود که قابلیت انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی را ایجاد کند، شخص حقوقی در حال تصفیه به جهت پذیرش مسئولیت کیفری آنها از سوی قانونگذار به عنوان یک قاعده، نه یک استثناء، مسئولیت کیفری خواهد داشت و می‌توان مجازات پیش‌بینی شده در قوانین کیفری را به آن تحمیل نمود.

نتیجه گیری

در گذشته، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اکثر نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف، پیش‌بینی نشده بود و قانون‌گذاران در انتساب مسئولیت کیفری به آنها همواره دچار تردید بودند. ابتدای ربع آخر قرن بیستم، این مسئله به صورت نظریه‌های مختلف، تنها در محافل عملی جایگاه خود را پیدا کرده بود که پس از آن به موجب ضروریات اجتماعی و تحول در بنیان‌های نظری حقوق کیفری، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان فصلی جدید در کنار دیگر تأسیسات حقوقی وارد متون قانونی کشورها شد. در این میان، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حال تصفیه، به جهت عدم تعیین تکلیف قانون‌گذار در خصوص سرنوشت نهایی آن، در ابهام باقی مانده است. می‌توان گفت که شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه دیگر یک موضوع استثنایی و متزلزل نیست تا بتوان بر مبنای تکیه بر قواعد تفسیر متون قانونی به تحلیل آنها و در نتیجه تلاش برای زدودن مسئولیت کیفری از اعمال مجرمانه آنها که از اعمال مجرمانه اشخاص حقیقی ناشی می‌شود، گام برداشت. علاوه بر اینها بقای شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی، از زمان شروع تصفیه تا خاتمه کامل آن صرفاً به دلیل تأمین منافع مالی طلبکاران و لزوم انجام برخی اقدامات در راستای منفعت دیان صورت می‌گیرد نه اینکه بقای شخصیت حقوقی اشخاص حقوقی در حال تصفیه به ذات و به موجب اصل باشد. وجود برخی از تکالیف و وظایف مشخص شده در قانون تجارت برای اشخاص حقوقی در حال تصفیه و نیز مسئولیت کیفری مدیران تصفیه، به تنهایی نمی‌تواند به عنوان یک دلیل قانع‌کننده معرفی شود تا مانع مسئولیت کیفری آنها باشد. در نهایت اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و لزوم بقای بر قدر متیقن در موارد استثنایی و سکوت قانون و همچنین ممنوعیت تفسیر موسع و نگرانی از گسترش دامنه مداخله حقوق کیفری در مواردی که قانون‌گذار موردی را به عنوان یک قاعده، نه یک استثناء، مورد پذیرش قرار می‌دهد، کاربردی نخواهد داشت. لذا نمی‌توان آن را مانعی برای انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در حال تصفیه دانست. بنابراین هرگاه شخص حقیقی به نمایندگی از شخص حقوقی در حال تصفیه، به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود، علاوه بر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، می‌توان شخص حقوقی در حال تصفیه را دارای مسئولیت کیفری و قابل مجازات دانست.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی. جلد دوم، چاپ بیست و هشتم، میزان، ۱۳۹۲.
- استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ؛ و برنار بولوک، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، تصفیه امور ورشکستگی، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- باریکلو، علیرضا، اشخاص و حمایت‌های حقوقی از آنان، چاپ ششم، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- توازنی‌زاده، عباس، «تأملی بر نظریه اعمال حاکمیت و تصدی بر رژیم حقوقی حاکم بر سازمان‌های دولتی و برنامه‌های اصلاح ساختار نظام اداری ایران»، فصلنامه پژوهش و راهبرد، شماره ۵۱، ۱۳۸۵.
- دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی؛ و محسن قرائی، قانون تجارت در نظم حقوق کیفری، چاپ دوم، انتشارات دادستان، ۱۳۹۲.
- روح‌الامینی، محمد، «دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۸۷.
- روشن، محمد؛ و مصطفی نظری، «بررسی آثار حکم ورشکستگی و رفع آن»، فصلنامه حقوق، شماره ۱۰۱، ۱۳۸۹.
- شریفی، محسن؛ و دیگران، «انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، ۱۳۹۲.
- صفایی، سیدحسین؛ و مرتضی قاسم‌زاده، حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، چاپ نهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- طجرلو، رضا، «بررسی مبانی نظری حقوق ورشکستگی در سیستم حقوقی آمریکا و انگلستان»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- عباسی، بیژن، «بررسی ویژگی‌های حقوقی دولت»، پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۸۶.
- عرفانی، توفیق، اسناد و دعاوی تجاری در آرای دیوان عالی کشور ۱۳۷۹ - ۱۲۹۲، جلد اول، چاپ اول، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰.
- فخاری، جواد، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۹.
- فرج‌الهی، رضا، «بررسی تحولات حقوق جزایی فرانسه در قانون اخیر»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۱۸ - ۱۷، ۱۳۷۵.

-
- _____، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.
 - کیوتو، ان، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ژاپن»، ترجمه اسماعیل عبدالهی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲.
 - محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲.
 - ملک‌زاده، فهیمه، فرهنگ حقوق تجارت، چاپ دوم، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱.
 - نبی‌پور، محمد، «شرایط مسئولیت کیفری در لایحه قانون مجازات اسلامی»، مجله تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۹.
 - هرت، الیوت، «رویکردهای مختلف به ورشکستگی»، ترجمه کوروش کاویانی و شاهین شامی اقدم، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴۱-۴۰، ۶-۱۳۸۵.
-
- Buel, Samuel, The Blaming Function of Entity Criminal Liability, Indiana Law Journal, Vol. 81, 2006.
 - Carty, Anthoy, "International Legal Personality and the End of the Subject: Natural Law and Phenomenological Responses to New Approaches to International Law," Melbourn Journal of International Law, Vol. 6, 2005.
 - Doyle, Charles, "Corporate Criminal Liability: An Overview of Freedom Law", Congressional Research Service, Vol. 30, October 2013.
 - Sun Beal, Sara, "A Response to the Critics of Corporate Criminal Liability", American Criminal Law Review, Vol. 46, 2009.
 - Weissman, Andrew; & David Newman, "Rethinking Criminal Corporate Liability", Indiana Law Journal, Vol. 84, 2007.